



سحر سرخ

سحر سرخ آزادی
دامن کشد بر ایران

سرزند ز کوهستان
با تفنگ پارتیزان

آزاد نگردد ایران
جز به دست پارتیزان

حزب ما حزب کارگران
می‌پرورد بر دامان

متحد با دهقانان
مادرانه پارتیزان

با روح خود چون توفان
آهنین پارتیزان

همچو شیر بر پهنه‌ی صحرا
بارد به قلب دشمن

چون یلنگ در کوهستان
ترس، مرگ پارتیزان

دشمن رمد ز ایران
با هجوم پارتیزان

پارتیزان

با اسلحه خلق‌های ایران، بریا خیزید همچون دلیران
قدرت امپریالیست‌ها را در هم شکنیم، چون پارتیزان (۲)

پتک کارگر، داس بررگر، محصلان، با آن در پیوند
رژیم خونخوار فاشیست را، در هم شکنیم، چون پارتیزان (۲)

دشمن کشد یاران ما را، کارگر دهقان و جوان را
یاران به پیش پیروزی از ماست، با اسلحه چون پارتیزان (۲)



سرود نروزی

درود نروزی نثار خلق ما
 درفش پیروزی به دست توده‌ها
 عهد کهن رود، عصر دگر رسد
 شام سیه رود، صبح دگر دمد
 از خشم توده‌ها، توفان بپا شود
 از جنگ دشمنان، ایران رها شود

گر با هم آمیزیم (۲)

نابود کاخ غارتگران گردد
 برپا جشن زحمتکشان گردد
 فردا که پیروزی از آن ما شود
 عید نروزی جشن توده‌ها شود
 خلقی رها شود، در عزت و شرف
 جشنی بپا شود، پر شادی و شغف
 کوشیم و برکنیم، بنیاد ارتجاع
 در خدمت وطن، در راه اجتماع

گر با هم آمیزیم (۲)

فردا که پیروزی از آن ما شود
 عید نروزی جشن توده‌ها شود
 خلقی رها شود، در عزت و شرف
 جشنی بپا شود، پر شادی و شغف



اول بهمن

این سرود توسط یکی از دانشجویان دانشگاه تبران که خود در جنبش خونین اول بهمن شرکت داشته سروده شده است

کوه‌ها خاموش دشت‌ها بی آب
 رودها در بستر خود خواب
 زندگی در پیچش دیوانه‌وار خویش (۲)
 قلب‌ها در سینه مالامال خون
 مغزهای رسته از یخ بستگی
 دست‌های آهنین، آهنین سرپنجه‌ها (۲)
 ایده‌های زنده و افکار نو
 با قلم‌های شکسته لیک با موجی ز نفرت
 با غریوی خفته در دل‌ها
 با زبان بسته و پیچیده در حلقوم (۲)
 با سرود انتقامی زیر لب (۲)
 آهسته، آهسته (۲)
 که روزی اوج می‌گیرد (۲)
 و پهنای زمان را می‌نوردد (۲)
 زمانی دور نه نزدیک نزدیک (۴)
 خروشی خلق را بیدار خواهد کرد
 غریوی توده را هشیار خواهد کرد
 که اکنون (۵) روز روز انقلاب ماست
 به رستاخیز برخیزید سلاح از دست مگذارید
 و بر کاخ ستمش آتش (۴) در اندازیم (۳)
 هو... هو... و در آن روز (۳)
 ملت سخت می‌جوشد
 و در این جوشش بیروزمند خویش (۲)
 خون کارگر با خون دانشجو (۲)
 و خون زارع و کاسب به یک دیگر در آمیزد (۳)
 و از آن آبیاری می‌کند ملت (۲)
 نهال سرخ و آزادی و استقلال ایران را



۲۹ اسفند

قیام ماه اسفند آورد بیاد
 زمان جنبش و هنگام اتحاد
 چو جنبشی شود میان توده‌ها بیا
 گند بنای ظلم و جور مالکان ز جا
 ملتی بپا خیزد با ستم‌همی ستیزد
 کاخ دشمن سرنگون کند
 تا که سازد دست دیوان
 کوته از سرحد ایران
 دشمن خود را برون کند
 قیام ماه اسفند جاودان بود
 نشان ز اتحاد خلقمان بود
 چو جنبشی شود میان توده‌ها بیا
 گند بنای ظلم و جور مالکان ز جا
 ملتی بپا خیزد با ستم‌همی ستیزد
 کاخ دشمن سرنگون کند
 تا که سازد دست دیوان
 کوته از سرحد ایران
 دشمن خود را برون کند



کاروان

شعر: ه.ا. سایه (هوشنگ ابتهاج)

توضیحات:

م: موزیک - چ: گروه چپ - ر: گروه راست - و: گروه
وسط - ه: همه با هم - د: دکلمه - ت: تک خوانی

د - از ابتدا تا «بهره افتاد کاروان»

ه - زمره

م - سه دفعه آکورد

و - در گوش من فسانه دلدادگی مخوان

چ ر - گالیا گالیا گالیا

و - دیرست گالیا گالیا (۲)

ه - دیرست گالیا، گالیا (۲)

ه - در گوش من فسانه دلدادگی مخوان

و - گالیا، گالیا، گالیا

ه - دیگرز من ترانه شوریدگی مخواه

و - گالیا، گالیا، گالیا

ه - دیرست گالیا، دیرست گالیا (۲)

- بهره افتاد کاروان، دیرست گالیا

- بهره افتاد کاروان، کاروان، کاروان

- دیرست گالیا، دیرست گالیا، دیرست گالیا

م - موزیک و دکلمه

ت - عشق من و تو، آه این هم حکایتی است

ه - اما در این زمانه که در مانده هر کسی از بهر نان شب (۲)

ر - دیگر برای عشق و حکایت

چ ر - دیگر برای عشق و حکایت

ه - دیگر برای عشق و حکایت (۲)

ر - مجال چ ر - مجال ه - مجال (۲)

م - دو ضربه طبل ه - مجال مجال نیست

د م - موزیک، دکلمه، موزیک

ه - این فرش هفت رنگ که پامال رقص توست

ه - از خون و زندگی انسان گرفته رنگ

ه - در تار و پود هر خط و خالش هزار



- ه - اینجا بباد رفته هزار آرزوی پاک
 ه - اینجا خموش مانده هزار آتش جوان
 ه - دست هزار کودک شیرین بی گناه
 ه - چشم هزار دختر بیمار ناتوان
 د م - موزیک ، دکلمه ، موزیک
 ه - هنگام بوسه و غزل عاشقانه نیست
 ه - هر چیز رنگ آتش و خون ، آتش و خون ، آتش و خون
 ه - (دو ضربه طبل) دارد این زمان (طبل)
 ه - هنگامی رهایی لبها و دستهاست
 ه - هر چیز رنگ آتش و خون ، آتش و خون ، آتش و خون
 ه - (دو ضربه طبل) دارد این زمان (طبل)
 ه - یاران من به بند - در روی من مخند (۲)
 ه - عصیان زندگیست ، در روی من مخند (۲)
 م - موزیک ، دکلمه ، موزیک
 ر - زود است گالیا ، گالیا (۲)
 چ ر - زود است گالیا ، گالیا (۲)
 ه - زود است گالیا ، گالیا (۲)
 ه - نرسیده است کاروان (۲) - موزیک
 ه - در گوش من فسانه‌ی دلدادگی مخوان (۲)
 ه - اکنون ز من ترانه‌ی شوریدگی خواه
 ه - ها ها ها ها ... (۴)
 ه - روزی که بازوان بلورین صبحدم (۲)
 ه - برداشت تیغ و پرده‌ی تاریک شب شکافت (۲)
 ه - روزی که آفتاب از هر دریچه تافت (۲)
 ت - روزی که گونه و لب یاران هم نبرد
 ت - رنگ نشاط و خنده‌ی گمگشته بازیافت
 ه - من نیز باز خواهم گردید آن زمان (۲)
 م - موزیک

شادی

شعر از: سیاوش کسرایی

شادی ، شادی ، ای غنچه‌ی آزادی
در قلب ما بشکف، گل کن ، گل کن در این وادی
غم ویرانمان دارد ، آزادی باید
تا آرد آبادی ، آزادی، آزادی

پرچم بلندت را برکن
نغمه‌ی نشاطت را سر کن
توده را به بیداری برخوان
محشر کن، محشر کن، محشر کن

قفل زندان‌ها را برکن
داد مظلومان را بستان
ریشه‌ی بیداد را برکن
آئینی دیگر کن، دیگر کن

اتحاد و عشق را جان ده
صلح و دوستی را فرمان ده (۲)
خیل محرومان، محرومان را نان ده (۲)
آزادی ، آزادی

وعده‌های رنگارنگ
از بهار باغت به ما دادی (۲)
اینک بشکف ، اینک گل کن
اینک بشکف ، اینک گل کن
میوه‌ای به ما ده از شادی

شادی ، شادی ، ای غنچه‌ی آزادی
در قلب ما بشکف، گل کن ، گل کن در این وادی
غم ویرانمان دارد ، آزادی باید
تا آرد آبادی ، آزادی، آزادی

www.KetabFarsi.com

بخش دوم

اتحاد



اتحاد

با اقتباس از شعر: حمید مصدق («آبی، خاکستری، سیاه»)
بر وزن آهنگ: ای بخارا

چه کسی خواهد من و تو ما نشویم	خانه‌اش ویران و عمرش نیست باد
من اگر ما نشوم تنهاییم	تو اگر ما نشوی خویشتمنی
تو مپندار که این خاموشی من	هست برهان فراموشی من، فراموشی من
تو مپندار که این تنهایی تو	هست برهانی بر جدایی تو، جدایی تو
ای روشنفکر (۲) با خلق در آمیز	همراه خلق (۲) دشمن تو بستیز
از ... کجا که من و تو دست بدست	شور انقلاب برپا نکنیم
از کجا که من و تو متحد	مشت رسوایان را وا نکنیم
من اگر بنشینم،	تو اگر بنشینی،
	چه کسی بر خیزد،
	چه کسی با دشمن خلق ستیزد
من اگر برخیزم،	تو اگر برخیزی،
	همه ... خیزند!

همصدا

آهنگ: سرود آتش

بیا تا با هم همصدا شویم / با هم يك زمان بپا شویم
یا با زندگی وداع کنیم / یا از بندگی رها شویم
کارگر، برزرگر در کنار هم / متحد، متفق، دوستان هم
اتحاد ما شود موجب بقای ما / پشت دشمنان ما لرزد از صدای ما
بندهای قلب ما گر بهم گره خورد / پاره پاره می‌شود بند دست و پای ما
بیا تا با هم همصدا شویم / با هم يك زمان بپا شویم
یا با زندگی وداع کنیم / یا از بندگی رها شویم
توده‌ها را بهم متصل کنیم / بند پوسیده را منقصل کنیم
گر ز دست رنج خود بهره‌ای نمی‌بری
گر ستم کشیده‌ای پس چرا نشسته‌ای
بیا تا با هم همصدا شویم / با هم يك زمان بپا شویم
یا با زندگی وداع کنیم / یا از بندگی رها شویم



ستم دیدگان، اتحاد، اتحاد

بپا کن بلند آتشی کارگر / که سوزد جهان کهن سر به سر
 بدم کوره را کاوه عصر ما / که خوش برسد نوبت قهر ما
 ز جا بر کن این کهنه نظم پلید / که جان بر لب نوع انسان رسید (۲)
 به پا برزگر خوشه‌ی خون رسید / پیام رفیقان به هامون رسید
 به داستان پر پینه‌ی کارگر / پیامی رسیده به کوه و کمر
 به ما گر دهی دست همبستگی (۲)
 فرا می‌رسد مرگ وابستگی (۲)
 ستم دیدگان اتحاد، اتحاد / که جز این نباشد رهی سوی داد
 خروشی کنید تا که خود بردگان / برآیند ز هر گوشه‌ای گردمان
 بپا پرچمی رنگ خون تا مگر (۲)
 که برپا کنیم خود نظام دگر (۲)

زمان اتحاد

ای لاله‌ی خفته در خاک و خون
 از خون تو شد افق لاله‌گون
 تا بر شود پرچم انقلاب
 بر لاله‌ها سینه شد جوی خون
 رسید آن زمان / زمان اتحاد
 بود طلوع آزادی / بود به سینه‌ها
 که در ره آزادی، آزادی
 خلق ما، چون بر خیزد شود رها
 تا از خشم توده‌ها / خون بارد از شب سیاه
 شود چو همصدا، قیام توده‌ها، شود به پا
 در جهان، پرچم فتح ما

سرود پیوستن

شعر: خسرو گل سرخی

باید که دوست بداریم یاران
 باید که چون خزر بخروشیم (۲)
 فریادهای ما اگرچه رسا نیست / باید یکی شود (۳)
 باید تپیدن هر قلب / اینک سرود (۲)
 باید که سرخی هر خون / اینک پرچم (۲)
 باید که قلب ما سرود و پرچم ما باشد (۲)
 باید در هر سپیده‌ی البرز
 نزدیک شویم یکی شویم
 اینان هراسشان زیگانگی ماست (۲)
 باید که سرزند طبیعه‌ی خاور / از چشم‌های ما (۳)
 باید که لوت تشنه میزبان خزر باشد
 باید کویر فقر از چشمه‌های شمال
 بی نصیب نماند (۳)
 باید دست‌های خسته / بیاسایند (۳)
 باید که سفره‌ها همه رنگین
 باید که خنده و آینده / جای اشک بگیرد (۳)
 باید که دوست بداریم یاران
 باید که چون خزر بخروشیم (۲)
 فریادهای ما اگرچه رسا نیست / باید یکی شود (۳)
 باید که لوت تشنه میزبان خزر باشد
 باید کویر فقر از چشمه‌های شمال
 بی نصیب نماند (۳) باید دست‌های خسته / بیاساید (۳)
 باید که سفره‌ها همه رنگین
 باید که خنده و آینده / جای اشک بگیرد (۳)



وحدت

از سرودهای حزب رنجبران ایران

ای سلسله‌دار خلق محروم	ای خشم ستم کشیده مظلوم
ای حاکم حق، همیشه محکوم	ای رستم این کرانه وحدت

ای رنجبر زمانه وحدت (۲)

در قلب هزار پاره‌ی تو	در مشق چو سنگ خاره‌ی تو
در دست تو هست چاره‌ی تو	ای چاره‌گر زمانه وحدت
استاد تویی و کودکانیم	در مکتب تو شکفته گانیم
شایسته، ز رنگ، نکته دانیم	استاد تو، ای یگانه، وحدت

ای رنجبر زمانه وحدت (۲)

ویرانگر بند و بست، خواهی	پیروزی هر شکست، آیی
پتک و تبری بدست آری	ای کاوه‌ی جاودانه وحدت
توفان کننده از تو باید	بنیاد زمانه از تو باید
گلبانگ رهایی از تو باید	شیرینی هر ترانه وحدت

ای رنجبر زمانه وحدت (۲)

ای خلق زمین سلام بر تو	ای کوخ نشین سلام بر تو
ای حزب نوین سلام بر تو	ای پرچم کارخانه وحدت

ای رنجبر زمانه وحدت (۳)



بیا بیا

از سرودهای کنفدراسیون دانشجویان

بیا بیا ای کارگر بیا
 بیا بیا ای برزگر بیا
 بیا بیا ای رنجبر بیا
 بیا بیا ای پیشه‌ور بیا
 ای هموطن بیا ای هموطن بیا بیا، بیا، بیا

لالای لالای لالای (۴) لای لای
 تا کی وطن در بند استعمار
 توده یکسر در فقر و استثمار
 گسل گسل زنجیر بردگی
 آتش فکن بر نظم بندگی
 به پیش در تلاش، به وحدت نوین
 شکن صفوف خصم به مشت آهنین
 به پیش بی‌هراس ز مکر و قهر و کین
 ستیز توده‌هاست کلام آخرین
 شود ز ره بدور تمام مشکلات
 چو اتکاء توان لایزال توده‌هاست
 یاران، یاران، یاران، یاران
 وحدت با زحمتکشان است، حرکت ما روشنفکران
 دل گرو پیکار خلق و امررهایی ایران
 وحدت با زحمتکشان است، حرکت ما روشنفکران
 دل گرو پیکار خلق و امررهایی ایران (۲)
 امررهایی ایران (۲)



سرود یاران (Solidaritätslied)

از سرودهای حزب رنجبران ایران

آتشین سرود رهایی از دیار ما به خون ، به خوان
 فرق خون شده وطنم از لاله‌های سرخ ارغوان
 جوی خون سرشده هر طرف روان به خاک این وطن
 سرخ آلاله‌گان داغ بر چمن ز هر کرانه‌ی وطن
 (بخوان ای ایران سرود یاران به قلب دنیا (بمان جاویدان) ۲۲)
 خنده‌ها زند بروی ما صبح شادمان، بیا بخوان
 شعله‌ها کشد خورشید سرخ از صلابی کوه شرر فشان
 این قفس بشکنیم، گر من و تو ما شویم و هم صدا
 چون همایش بود آخرین ره نجات خلق و توده‌ها
 (بخوان ای ایران سرود یاران به قلب دنیا (بمان جاویدان) ۲۲)

يك صف شويم

مجموعه سرودهای «به یاد قیام» : سازمان پیکار
 در راه آزادی طبقه کارگر ، آهنگ ، ورزش و بیانکا

دشمن بلرزد ز نظم سرخمان	يك صف شويم، يك صدا با هم چنان
هرگز نبوده وحشت و باکمان	از مرگ و از رنج و سختی راهمان
رنجیر رنج و محنت رها کنیم (۲)	در زیر بار کار خم شده کمرها
آواز سرخ کارگر پراکنیم	اینک به هر جا ز فریاد سرخ ما
چیزی نماند ز زحمتش ولی	جز تکه نانی به دستان کارگر
در راه بهره باشد مشکلی	سرمایه‌داران به دوشش کشند اگر
کل کرده و شکفته در دهانمان (۲)	در اوج رنج و کار، همواره يك شعار
این نظم کهنه پوسیده در جهان	تنها به قهر تفنگ می‌توان شکست

(تکرار الف و ب)

سرود همبستگی

شعر: برتولت برشت

ترجمه: سعید یوسف

(همخوان با آهنگ ایسلر)

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست

متحد شوید ای خلق ها / در نبرد خویش اکنون

نعمت جهان می باید / از شما شود بی چون

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست

ای سیاه، سفید، زرد و سرخ / این جدل به دور افکن

جنگ بین خلق ها از چیست؟ / مکر و حیلای دشمن

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست

گر سرآید این شام غم / از تلاش من یا توست

با من از تو دشمن گردی / کرده ای صف خود سست

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست

از نزاع ما خشنودند / حاکمان و اربابان

تا دو دستگی ها باشد / سروری کنند آنان

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست

متحد شو اکنون، کارگر / تا شوی ز بند آزاد

ای سپاه معظم، پستیز / با هر آنچه استبداد

بریا، میرز خاطر / که قدرت تو در چیست

گر سیری، ور گرسنه / بریا، میرز خاطر

قدرت در همبستگی ست



هیچ کس یا همه کس

(Keiner oder Alle)

شعر: پرتولت برشت

ترجمه: سعید یوسف

(همخوان با آهنگ آیسلر)

برده که کند آزادت؟

آن که چون تو از اعماق است
او می شنود فریادت

می بیند تو را هر جا هست
آزادی او خواهد دادت

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

تنها چوباشی گردی خوار

یا زنجیر، یا جنگ افزار

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

ای گرسنه که دهد نانت؟

کم از بهر نان هر جا رو
تا دهیم ره را نشانت

از ما گرسنگان چوبیا شو
سیر می کنند گرسنگانت

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

تنها چوباشی گردی خوار

یا زنجیر، یا جنگ افزار

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

ای زیر لگد افتاده!

چه کس انتقامت گیرد
هستند یاران آزاده

آن کز درد، چو تو می میرد
بهر انتقام آماده

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

تنها چوباشی گردی خوار

یا زنجیر، یا جنگ افزار

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

در کیست جرات ای تیره روز؟

آن که طاقتش آخر شد
گوئیم پر خروش و کین توز

دردش سوی ما رهبر شد
فردا نه، بل همین امروز

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

تنها چوباشی گردی خوار

یا زنجیر، یا جنگ افزار

هیچ کس، یا همه کس، یا هیچ یا همه

با ما بیا

زندادان زنان قصر - سال ۵۲

با ما بیا، با ما با ما، با ما با ما، بر شو زجا
 يك تن ظفر يابد كجا؟ با ما بیا، با ما بیا
 كس بگسلد زنجير ما؟ زنجير ما بپوستگان
 آباد كن، آزاد كن، از هر بلا ايران ما
 خواهی اگر يابی ظفر، شو هم سفر با ما بیا
 با قدرتی اين سان توان، آزاد كرد خلق ايران
 با ما بیا، با ما با ما، با ما با ما، بر شو زجا
 يك تن ظفر يابد كجا؟ با ما بیا، با ما بیا

يکی شويم

شعر: پرويز اورمان
 آهنگ: رحمان اسداللہی

يگانہ دل، يگانہ دست اگر شويم
 به قلہ های عشق بر شويم
 چه آتشی به جان شب زنيم
 اگر يگانہ تر شويم، اگر يگانہ تر شويم
 به رزم ما يگانگی به کار آيد
 جو رودها يگانہ اند بهار آيد
 بيا يگانہ تر شويم، بيا يگانہ تر شويم
 يگاہ را، به شام تار
 به گوش هوش ديده ور شويم
 به نام گل، شبانه را سحر كنيم
 يکی شويم، خطر كنيم
 به غول رنج حملہ ور شويم

(نا تمام)

بخش سوم
سرودهای میهنی



www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

مام توفان

همچو دریا، بی کرانی مام توفانی
 مهد آرش مهد کاوه‌ای - آشیان شیرانی (۲)
 همچو کوهی، پرتوانی، مرز گردانی
 مهد مزدک، مهد بابک - آشیان شیرانی (۲)
 همچو آتش، شعله بخشی پاک و جاودانی
 مهد ستار، مهد حیدر - آشیان شیرانی (۲)
 همچو خورشیدی فروزان گرم و تابانی
 مهد روزبه، مهد بهرنگی - آشیان شیرانی (۲)

ای ایران

شعر: حسین گل‌گلاب

آهنگ: روح‌الله خالقی

ای ایران ای مرز پر گهر / ای خاکت سرچشمه‌ی هنر
 دور از تو اندیشه‌ی بدان / پاینده مانی و جاودان
 ای دشمن ار تو سنگ خاره‌ای من آهنگم / جان من فدای خاک پاک میهنم
 مهر تو چون شد پیشه‌ام / دور از تو نیست اندیشه‌ام
 در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما / پاینده باد خاک ایران ما
 سنگ کوهت در و گوهر است / خاک دشتت بهتر از زر است
 مه‌رت از دل کی برون کنم / برگو بی مهر تو چون کنم
 تا گردش جهان و دور آسمان بیاست / عشق مردمی همیشه هم‌راه ماست
 مهر تو چون شد پیشه‌ام / دور از تو نیست اندیشه‌ام
 در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما / پاینده باد خاک ایران ما
 ایران ای خرم بهشت من / روشن از تو سرنوشت من
 گر آتش بارد به پیکرم / جز مه‌رت به دل نپرورم
 از آب و خاک و مهر تو سرشته‌ام / مه‌رت از برون رود بمیرد این دلم
 مهر تو چون شد پیشه‌ام / دور از تو نیست اندیشه‌ام
 در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما / پاینده باد خاک ایران ما



جان نثارانیم

ما جان نثارانیم در راه وطن قربانیم / ما فرزندان خلق این ایرانیم
 در دل عشق وطن پرورانیم / در دامان میهن با خون نوشتیم ای وطن
 گر تو نباشی میهن، نباشیم ما / در راه تو از جان گذریم ما
 با خون دلیران شد، خاک میهن گلستان
 با خون آنها بر روی پیشانی / نوشتیم بهر وطن قربانیم

ایران هنگام کار است

ایران هنگام کار است / برخیز و ببین ایران
 وقت کوشش و کار است / هشیار و نشین ایران
 آنکه بر بزن جامی / با ما به صلح و صفا
 ببین در سر من گشته / چه شور و غوغا بیا
 کار ز قید غم رهاند ما را / کار به کام دل رساند ما را
 جور زمان نگر (که چه غوغا خواهد کرد) (۲)
 خب وطن نگر (که چه با ما خواهد کرد) (۲)
 آه چه محنت‌ها که کشیدی ای دل
 آه به کام دل نرسیدی، جز غم ندیدی، ای دل
 تا به کی به دل جوانی نکنم به عادت پیران
 جامی بده بیاد وطنم سعادت ایران
 تا به کی برکشیم نعره‌ی آزادی
 تا بدست آوریم افتخار و شادی
 خیز که روز فتح و ظفر شد ایران
 خیز که روزگار دگر شد ایران

ای ایران

ای ایران ای آذر ایزد نشان
 ای قله آتشفشان، کین توزان
 از تاب دل، بر اهرمن آتش فشان، آتش فشان
 نیرنگ بدکاران، بیداد خونخواران
 در تو هنگامه‌ها انگیخت
 آتش و خون به هم آمیخت
 کرد خاک تو را لاله پوش
 خون به دل‌ها درآمد به جوش
 شد ز بیداد اهریمنی
 ناله در نای مردم خروش
 ای به خون خفتگان شهید
 جانسپاران راه امید
 پاسداران آزادگی
 مژده بخشان صبح سپید
 ای شهیدان راه وطن
 درود، درود، درود بیکران
 هر زمان، ز ما نثار خاکتان، به جان پاکتان
 که نامه‌ی جهان، به پاس یادتان
 به رنگ خون نوشت، به افتخار
 خجسته نامتان، ستوده کامتان (۲)
 هر کجا، هر زمان
 (از ابتدا تکرار شود)



سلام بر گل ارغوان

شعر: سعید یوسف

ای ابر سپید من / رگباری زن بر میهن
خندان برق از چشمان برفشان / که افتد رخنه در حصار ددان
دوزخ شد هر آبادی / در مسلخ شد آزادی
اما خورشیدی کز خاوران / دمد، آرد نوید جنگاوران

سلام، ای گل ارغوان
سلام، میهن خون چکان
سلام، سلام، سلام، سلام،
بر تو دیگر کننده‌ی جهان

ای ابر سپید من / رگباری زن بر میهن
گرد از رویش شوی، از سوی من / به هر زخم شکنجه صد بوسه زن
ای سرو پرومندم / زخمت را من می‌بندم
با هر زخم نو در سینه‌ات / فروزان تر شد آتش کینه‌ات

سلام، ای گل ارغوان
سلام، میهن خون چکان
سلام، سلام، سلام، سلام،
بر تو دیگر کننده‌ی جهان



میهن

کاست بیمن شماره ۱، کارگاه هنر - نوروز ۱۳۶۰

میهن غارتگران عرصه‌ی سیم و زر است
 میهن زحمتکشان میهنی دیگر است
 عرصه‌ی رزم با هر غارتگر است (۲)
 میهن زحمتکشان (سنگر، سنگر، سنگر است) (۲)

ای هم رزم زحمتکشان
 تا دمد صبح، صبح پیروز (۲)
 در هیاهوی غارتگران جنگ افروز
 بیدار بمان، هشیار بمان (۲)
 بانگ غارتگران اهرمن، فریب‌آمیز است
 عوعو فرماندهان بی‌وطن وهم‌انگیز است

با زحمتکشان، بمان، بمان، بمان، بمان
 میهن صندوق سرمایه‌های بانکی نیست
 زرادخانه‌ی چکمه‌پوشان یانکی نیست
 میهن، حاصل کار انسان‌هاست
 میهن پتک کارگران
 میهن داس دهقان‌هاست
 میهن خانه و آشیانه است
 میهن در کار و در مزرعه
 میهن در کار و در کارخانه است

با زحمتکشان، بمان، بمان، بمان، بمان
 میهن صندوق سرمایه‌های بانکی نیست
 زرادخانه‌ی چکمه‌پوشان یانکی نیست

میهن زحمتکشان میهنی دیگر است
 عرصه‌ی رزم با هر غارتگر است (۲)
 میهن زحمتکشان (سنگر، سنگر، سنگر است) (۲)



ای وطن

به دامن خود ای دماوند
 چه کاوه پروری تو فرزند
 هی تپد دلم برای تو
 به آسمان چه سرفرازی
 در سرم بود هوای تو
 به پای تو اگر بود بند

بپا خیزیم به همراه توده‌ی ستم‌کشان تو
 فرو ریزیم ز بنیادش کاخ خاک دشمنان تو
 ای وطن ... ای وطن ... ای وطن ...
 ای که چور جاببران
 فتنه ستمگران
 آتشت زند به جان

آتشم فتد به جان
 توده زحمت خیزد
 فقر و فساد و ظلمت
 مهر رخشان بر فراز تو
 ز اهرمن جدا چو گردی
 جان خود نهم به راه تو
 ایران دگر سازد
 از ریشه براندازد
 مهر رخشان بر فراز تو
 ز فتنه گررها تو گردی

چون بهشتی از برای من
 به دشمنان شوی چو پیروز
 هر روز تو شود چو نوروز
 شور و شادی از برای من
 بپا خیزیم به همراه توده‌ی ستم‌کشان تو
 فرو ریزیم ز بنیادش کاخ خاک دشمنان تو

www.KetabFarsi.com

بخش چهارم
سرودهای بین‌المللی





انترناسیونال

شعر: اوژن بواتیه (کارگر نبار فرانسوی)

ترجمه: ابوالقاسم لاهوتی

برخیز ای داغ لعنت خورده / دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده / به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم / کهنه جهان جور و بند
آنگه نوین جهانی سازیم / هیچ بوده گان هر چیز گردند

روز قطعی جدال است / آخرین رزم ما
انترناسیونال است / نجات انسان‌ها

بر ما نبخشد فتح و شادی / خدا، نه شه، نه قهرمان
با دست خود گیریم آزادی / در پیکارهای بی امان
تا ظلم را از عالم بروییم / نعمت خود آریم به دست
دمیم آتش را و بکوبیم / تا وقتی که آهن گرم است

روز قطعی جدال است / آخرین رزم ما
انترناسیونال است / نجات انسان‌ها

تنها ما توده‌ی جهانی / اردوی بی‌شمار کار
داریم حقوق جهان‌بانی / نه که خون خواران غدار
غرد وقتی رعد مرگ‌آور / بر دژخیمان و رهنان
در این عالم بر ما سراسر / تابد خورشید نورافشان

روز قطعی جدال است / آخرین رزم ما
انترناسیونال است / نجات انسان‌ها



رهایی

شده قرن ما قرن، رهایی انسان‌ها
 راهی خونین از اکتبر تا چین بيمودند خلق‌ها
 که اکنون در هر سو گشته انقلاب خلق برپا
 کوبنده مشت‌های زده بر فرق امپریالیست‌ها
 ای خلق ایران، کارگر و دهقان برپا خیز و برپا خیز
 پرچم سرخ آزادی ایران را برافراز و برافراز
 در این پیکار خونین من یا تو هم نبردم
 ای قهرمان بی‌نام خلق دلیر ظفار
 من یا تو در هم آمیزم، ما با هم می‌پیوندیم
 فلسطین و ویتنام دیگر برپا می‌سازیم
 ای خلق ایران، کارگر و دهقان، برپا خیز و برپا خیز
 پرچم سرخ آزادی ایران را برافراز و برافراز

استالینگراد

سرود جنگ میهنی ضد فاشیستی

پرچم سرخ پیروز تو / مانده بر جای خود برقرار
 پرچم سرخ دنیای نو / شد ز پیکارت استوار
 می‌ستائیم نامت با سرود / نام جاویدت زنده باد
 قلب خود چون آتشین گلی / نثارت سازیم استالینگراد
 بر در و بام و ایوان تو / نقش جانبازی‌هایت به‌جاست
 خون فرزندان خاک تو / روی هر برگ گلی پیداست
 می‌ستائیم نامت با سرود / نام جاویدت زنده باد
 قلب خود چون آتشین گلی / نثارت سازیم استالینگراد
 مردم گیتی در رزم تو / نغمه‌ی پیروزی خوانده‌اند
 مردم‌ت با عزمی آهنین / دشمن از خاکت رانده‌اند
 می‌ستائیم نامت با سرود / نام جاویدت زنده باد
 قلب خود چون آتشین گلی / نثارت سازیم استالینگراد



ظفار

اهلاً بالثوره الشعبیه / الاستعمار و الرجعیه
 فی الارض النجره العربیه / فی مسقط و فی عمان
 اهلاً بالثوره الشعبیه / الشعبیه
 الاستعمار و الرجعیه / و الرجعیه
 فی الارض النجره العربیه / العربیه
 فی مسقط و فی عمان (۴)
 فی التاسع من یولیو الخالد / ثوره منها الطلق المارد
 لا قابوس فیها و لازید / لارجعی و لا سلطان (۴)
 اهلاً بالثوره الشعبیه / الاستعمار و الرجعیه

انا صامد

(سرود فلسطین)

انا صامد صامد انا صامد (۵)
 و بأرض بلادی انا صامد
 وان سر قوا زادی ... انا صامد
 وان قتلوا اولادی ... انا صامد / وان هدموا بیتی یا بیتی
 فی ظل احضاتک انا صامد
 انا صامد صامد انا صامد (۵)
 و بنفس ایبه انا صامد
 و عصا و شبیریه ... انا صامد
 والرایه بایدی ... انا صامد / وان قطعوا ایدی
 والرایه فی الاید الثانیه انا صامد
 انا صامد صامد انا صامد (۵)
 حقلی و بستانی انا صامد
 عزمی و ایمانی ... انا صامد
 غفری و ازدانی ... انا صامد / وان زادت فی جسمی
 جروحی بجزوحی و دمی انا صامد انا صامد صامد انا صامد (۵)

ای فلسطین

ای تو ای خلق قهرمان	ای فلسطین، ای فلسطین
در آزادی ستمکشان	تو نهادی جان بر کف
پیروزیت بر دیو صهیونیست	پیروزیت، پیروزی ماست
بر ضد ببر امپریالیسم	ضد استعمار نوین
ای تو ای خلق قهرمان	ای فلسطین، ای فلسطین
بر ضد تو تبانی کرده اند	این دو قدرت پا به پای هم
قلب ترا نشانی کرده اند	از هر طرف ارتجاع جهان

اما تو بدان ای خلق قهرمان

دست خلق‌های ستمدیده جهان با توست

قلب خلق‌های ستمدیده جهان با توست، با توست، با توست

ای فلسطین، ای فلسطین

ای تو ای خلق قهرمان (۲)

ای فلسطین

با هم با هم

افشاند در جهان نور انقلاب	سرزد از افق نور سرخی
افشاند در قلب رنجبران	نور امید و نور شادی
در تبریز، در قم، در تهران	برپا گشتند خلق‌های ایران
چون لائوس، کامبوج، ویتنام	قهرآمیز، پرخروش در همه شهرهای ایران
فلسطین، هم عمان و ایران (۲)	پیروز گردند خلق‌های جهان
باهم، باهم، متحد و پرتوان	خلق‌ها سازند تاریخ زحمتکشان
جمع امپریالیست‌ها و نوکران	نابود سازند کاخ ستمگران
نوکران، نوکران زنجیری سگان	
برپا گشتند ...	

درخت آزادی

سرود مبارزین افغانی

ما به خون خود میهن (۲)

سرخ و دامنش سازیم

پرز لاله‌ی صحرا، باغ و برزنش سازیم (۲)

ما به خون خود میهن (۲)

سرخ و دامنش سازیم

پرز لاله‌ی صحرا، باغ و برزنش سازیم (۲)

هموطن به‌پا ایستا در مقابل دشمن

آن درخت آزادی بردهد ز خون تو و من

چون دلاوران رزم کن تا رهایی میهن

گر بپا شویم باهم، تخت دشمن اندازیم (۲)

ما به خون خود میهن (۲)

سرخ و دامنش سازیم

پرز لاله‌ی صحرا، باغ و برزنش سازیم (۲)

گرچه دشمن ماها اسلحه و کمند دارد

در سراسر کشور، محبس و مقر دارد

با همه جهان‌خواران، دسته بند هم دارد

چون که توده‌ها از ماست، نیست و نابودش سازیم (۲)

ما به خون خود میهن (۲)

سرخ و دامنش سازیم

پرز لاله‌ی صحرا، باغ و برزنش سازیم (۲)

کارگر تو بیدار شو، کهنه رو تو بردار کن

تو به زور دهقانان، نظم تازه ایجاد کن

ده و مُلک این شهر را، از قیام خود شاد کن

تا به پرتو این نو، زندگی نو سازیم (۲)

ما به خون خود میهن (۲)

سرخ و دامنش سازیم

پرز لاله‌ی صحرا، باغ و برزنش سازیم (۲)



آهنگ اتحاد

از سرودهای مبارزین افغانی

سروده: سپاهی گمنام

ای داس‌ها، ای پتک‌ها یک جا شوید، یک جا شوید
 بر پنجمین برج زمان بالا شوید، بالا شوید
 تا چند خان، تا چند بای این سوسماران دغل
 با داس‌تان، با دست‌تان این گندم سیراب را
 این حاصل شاداب را کز خون‌تان خورده است آب
 بی رنج بهر خویشتن از بیخ و بن سازد درو

* * *

ای کارگر، ای رنجبر ای رستم عصر نوین
 تا چند این خونخوارها این مارها، کفتارها
 این کارفرمایان دون این مست‌های جام خون
 با پتک‌تان، با دست‌تان

خون شما را در قدح ریزد بیاشامد فرح

* * *

بر کودک خود بنگرید بر صورتش، بر پیکرش
 بر چهره‌ی افسرده‌اش بر شانه‌های لاغرش
 بر همسر گریان‌تان این رخت‌شوی خان‌ده
 این عشق‌تان، این یار‌تان آخ همسر بیمار‌تان ...
 بر خوان بی از نان‌تان دیروزتان، امروزتان
 یک بار بی‌نا بنگرید آخر کجایش زنده گيست؟
 این زنده گيست؟، نی ... این بنده گيست، شرمنده گيست

دیگر سکوت و خاموشی بسیار شد، بسیار شد

ای داس‌ها، ای پتک‌ها خیزید یک جا با صدا

چور زمان یار شما تاریخ غمخوار شما

در شهرها، در قریه‌ها در دره‌ها، کوه‌پایه‌ها

شور نوین بریا کنید چون آذرخش بی‌امان

بر هستی این سفلگان این ناکسان بی‌همتان

این تنبلان، بی‌مایگان آتش زنید، آتش زنید



آئین نوین

از سرودهای مبارزین افغانی
سروده : داکتر رحیم (محمودی)

جنبشی ای تازه نسل نوجوان
شورشی ای مردمان باستان
گردشی ای محور چرخ زمان
لرزشی ای موج خلق بی کران
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان
پرتو افشانی نما چون آفتاب
باره کن از چهره‌ی خائن نقاب
سرنگون کن باره‌ی افراسیاب
تند شو ای برقه‌های با شتاب
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان
آتشی از کوره‌های کارگر
غرش از داس و بیل برزگر
زیر و رو کن کاخ استعمارگر
محو کن بنیاد استعمار و شر
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان
کن علم از مجمر خود نورها
شو ضیا و رهبر مزدورها
اخگر افکن بر سر مغرورها
سوز دست و فرق این سرزورها
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان
طرح آئین نوین ایجاد کن
آتشی در خانه‌ی بیداد کن
این وطن را از محن آزاد کن
با رحیمت رسم نو ارشاد کن
تابشی ای شعله‌های جاودان
تا بسوزی قصر و بام خائنان



برخیز طوفان توستی

سرود مبارزین افغانی

ای سیل تند پیشرو	از راه این ویرانه رو
پست و بلند هموار کن	بر دشت و کوه مستانه رو
سد کهن در هم شکن	فرسوده دژها بر فکن
ویرانگری کن، موج زن	پر شور و بی باکانه رو
این گلشن بی رنگ و بو	ماند به گور آرزو
ویران کن و خاکش بشو	دیوانه آ، فرزانه رو
هان ای رفیق راه من	امروز من، فردای من
وی موج طوفان زای من	بخروش و بی تابانه رو
سیل خروشان توستی	موج غریوان توستی
برخیز، طوفان توستی	از راه این ویرانه رو
پست و بلند هموار کن	بر دشت و کوه مستانه رو

به پیش رو

سرود مبارزین افغانی

به پیش رو به پیش رو به پیش رو
 به سوی خلق به راه خلق به پیش رو
 همی خندد به روی ما به روی ما
 طلوع سرخ خون آلوده فردا
 به آسمان ما چو جغد مرگ پر کشید
 و کارگر درون کوره ستم بخون تپید
 بخون خلق دشت و کوه سرخ گشت
 و بزرگر به زیر بار غم خمید
 قسم به قدرت سترگ و بی حراستان
 قسم به کودک مریض و بی لباسان
 قسم به زور بازوان پر غرورتان
 قسم به پتک تان، قسم به داس تان، به داس تان
 و می رویم و می رسیم و می رسیم
 و در پناه توده ها به جنگ خصم



برخیز که ...

سرود مبارزین افغانی

بر خیز که برخیزیم با حادثه بستیزیم
 از مرگ نیندیشیم وز معرکه نگریم
 تا جهل و ستم دیگر با ما نکند پیکار
 بر خیز که برخیزیم هنگامه برانگیزیم
 بی ترس ز جا جنبیم وز واهمه پرهیزیم
 گر خلق میان بندد، کاری نبود دشوار
 بر خیز که برخیزیم با ظلم در آویزیم
 هر جا سر دژ خیمه‌یست از کنگره آویزیم
 تا باز نگردد باز، عفریت ستم بیدار
 بر خیز که برخیزیم تا خصم کهن دیزیم
 گر کوه گرانپای است ما سیل سبک خیزیم
 و ز ما ته و بالایش یکسان شود و هموار
 وانکه من و تو با هم چون جان و تن آمیزیم
 جای دژ ویرانی طرح دیگری ریزیم
 عشرتکده‌ای سازیم، زین دخمه‌ی تنگ و تار

آزادی

از: (ج. ح.)

سرود مبارزین افغانی

دشت‌ها بخوانید بخوانید کوه‌های هندوکش
 با ما بخوانید ترانه‌های آزادی
 ای سبزه‌ها، ای جویبارها ای نعره‌ها، ای طوفان‌ها
 ای طبیعت ای زنده جان‌ها
 بخوانید با ما بخوانید ترانه‌های آزادی
 ای توده‌های زحمتکش ای کارگران، ای دهقانان
 خیزید بپا همه با هم با سرودهای آزادی
 سکلید ز هم این زنجیر را زنجیر استعمار شوم را
 نابود سازید این جهان را این جهان بی‌مایگان را
 یگانه راه انقلاب است درمان درد آزادی

